

هنگامه‌های اسارت در علم و فن‌آوری تلاشی در آسیب‌شناسی و درمان

محمد مهدی خدیوی‌زند

آزادی‌درمانگر

دیدگاه هنگامه‌ها توانمندی خود را در قلمروهای فراوانی از آسیب‌شناسی نشان داده است. در اینجا با شیوه اصیل خود (شاخصهای کلان ارزیابی علم و فناوری) را به پرسش می‌گذارد و با پاسخیابی به پژوهش، تشخیص و درمان می‌پردازد.

Slavery incidences in science and technology: efforts in diagnosis and treatment introduction.

Incidences paradigm has demonstrated its effectiveness in diagnosing varieties of pathologies. In this article, investigator has questioned cardinal indices of evaluating science and technology with regards to his original methodology and ties to find answers to his proposed question and suggests a valid diagnosis and a sound treatment procedure.

پرسشها و پاسخها:

گزارشنامه‌ای از یک نهاد عالی علمی - فرهنگی با عنوان «شاخص‌های کلان ارزیابی علم و فن‌آوری»، دریافت کردم^۱ پرسشهایی چند برانگیخت: منظور از شاخص، کلان، و شاخص‌های کلان چیست؟ ارزیابی چگونه است؟ منظور از علم و فن‌آوری چیست؟ ارزیابی علم و فن‌آوری چگونه است؟...

بر آن شدم تا پاسخها را در گزینه‌های گزارش جستجو کنم: گزینه‌ها دو بخشند، کمی و کیفی؛ بخش کمی ۶۲ گزینه است در پنج گروه انسانی، مالی، ساختاری، عملکردی و بهره‌وری: ۴۳ گزینه با قیده‌های؛ تعداد، درصد و نسبت در مورد تحقیق، محقق و تحقیقات است.

۱ - این گزارش برگرفته از مجموعه ارزیابی علم و فن‌آوری در جمهوری اسلامی ایران است. در نامه ارسالی تصریح شده است که گزارش در خصوص طرح بررسی وضعیت علم در ایران برای جهت‌گیری آینده است.

بخش کیفی ۱۹ گزینه است که با صفات و قیده‌های توسعه، فرآیند، کیفیت، میزان، گسترش منزلت، ارتباط آغاز می‌شود و موضوع آنها علم، علمی، فن آوری، علمی - پژوهشی است.

چندبار گزارشنامه را بازخوانی کردم پرسشهایم را زمزمه می‌نمودم و به تلاشهایم برای پاسخ‌یابی می‌افزودم ولی هر بار خود را، در وضعیتی دشوارتر، اسیر کلیت و ابهام واژه‌ها می‌یافتم، از سردرگمی و رنجی که گزارشگران بر خوانندگان تحمیل می‌کردند شگفت‌زده می‌شدم: برای رهائی از اسارت به دامن اندیشه چنگ زد:

- ای اندیشه آزادیبخش، راضی نشو که بیش از این در هنگامه‌ها تاریک‌خانه علم و فن آوری اسیر بمانم، آیا از آنها خبری داری، بر من رحم آر. بگو

- کیست که خبر نداشته باشد؟! هم‌اکنون که تو در هنگامه‌های اسارت و ناآرامی بسر می‌بری گروه زیادی در کوچه و بازار راه می‌روند و خود را صاحبان علم و فن آوری می‌دانند: سخن گفتنشان، طرز راه رفتنشان، غذا خوردنشان، نگاه کردنشان حتی حمام و توالت رفتنشان هنگامه‌ای از علم است.

- پس می‌توانم از آنها به پرسم: منظورشان از علم و فن آوری چیست؟
- کاری پرخطر است: برخی از آنها بجای پاسخی روشن آنقدر به نادانی تحقیرت می‌کنند که از کرده خود پشیمان شوی!

- منظورشان از تحقیر من چیست؟! من که جز پرسش کار بدی نمی‌کنم!
- برای برخی از آنها بدتر از پرسیدن کاری نیست! آنها یکپارچه عالمند، حتی تحقیرشان نسبت به تو عالمانه است!

- ای اندیشه نشانه‌یاب، اگر به‌خواهم نشانه‌ای از علم و فن آوری پیدا کنم، چه کنم؟!
- من اندیشه‌ام تو که مرا داری اندیشمندی توانائی من و تو در آنست که می‌توانیم خودمان و چیزها را مشاهده کنیم، به پرسش بگذاریم و پاسخ‌یابی کنیم با این توانایی‌هاست که شایستگی نام دانش و دانشمند را داریم.

- ترا ای اندیشه روشنگر می‌ستایم. بیاری تو می‌توانم خود را از تاریکی علم و عالم رهائی بخشم. این تویی که همواره به مشاهده کردن، پرسیدن و پاسخ‌یابی فرا می‌خوانی اکنون درباره دانش و دانشمند آگاهتر و روشترم کن.

- دانش را با کنشهایش بشناس: هنگامی که مشاهده می‌کنی، به پرسش می‌گذاری و پاسخهایی می‌نمائی دانش پژوهی، همین که پاسخها را بکار می‌بندی دانش‌ورزی و آنگاه که به آنها جهت می‌دهی گستردگی و ژرفا می‌بخشی دانش‌پردازی.

- ای اندیشه بلندپرواز سخنانی آسمانی می‌گوئی، بیشتر بگو، آرامشم ده، نگرانم که نتوانم پیام ترا دریاره دانش به دیگران برسانم؛ اگر بپرسند منظورتان از دانش چیست چه بگویم؟!

- همانطور که گفتم می‌توانم بلندپروازی کنم و ترا با خود می‌برم: از همین جا که ایستاده‌ام اوج می‌گیریم و به فرانگری در گفتگوهای که هم‌اکنون داشتیم می‌پردازیم از آنجا مشاهده می‌کنیم که دانش مجتمع تلاشهای دانشمندان است: تلاشهای مشاهده کردن، پرسیدن، پاسخهایی نمودن و پاسخها را بکار بستن و گستردگی و ژرفا بخشیدن و جهت و معنی دادن است. این تلاشها است که هستی ناب دانشمند را می‌سازد و برای خودش و دیگران روشن و متمایز می‌کند.

- ای اندیشه، ای عقاب تیزپر و بلندپرواز، بیاری تو چیزهای تازه می‌یابم، به من اوج‌گیری بیشتری ببخش، می‌خواهم بدانم: هستی ناب اندیشه چیست، آیا دانشی که تو از آن سخن می‌گوئی کم و کیف دارد؟! شاخص‌های کلان و ارزیابی آن چگونه است؟
- دوست من، دانش تلاشهای من و تو است، من، اندیشه، همان دانشم و هنگامی که تو با من و من در تو تلاش می‌کنیم اندیشمند و دانشمندیم: هستی ناب اندیشه در اندیشمندی و دانش در دانشمندی آشکار می‌شود.

- هر بار بیش از پیش مرا شگفت‌زده می‌کنی، با این سخن که تو، اندیشه، با دانش یکی هستی پس واژه‌هاییکه علما بکار می‌برند: فهم، فکر، عقل، درک ... چه هستند؟ آیا اینها هم تو هستی ...؟!

- بی‌پروا بگویم من و تو و همه آنهایی که در جهان هستند با هستی ناب خود دانشمند و اندیشمندیم. ولی عده‌ای هستی را آلوده می‌سازند: به تلاشها و هستی خود نام علم و عالم می‌نهند: گرد خود پبله‌ای سخت می‌تنند در درون تاریک آن اسیر می‌شوند، در تاریکی اسارت برای کاهش ترس یکدیگر را با نامهایی فریبنده صدا می‌زنند: علما، متفکرین، عقلا، فضلا... چندیست که القاب تازه‌تری را بکار می‌برند: نخبگان، چهره‌های ماندگار، تولیدکنندگان علم،

نام آوران... برای کاهش درد و رنج اسارت در همایشها، در بزرگداشتها، کنگره‌ها با داد و فریاد به آنهایی که اسارت بیشتری را تحمل کرده‌اند جایزه می‌دهند...

- ای اندیشه تابناک، از هستی ناب و آلوده دانش و اندیشه سخن گفتی، اکنون برایم

بگو: هستی ناب کدامست و چگونه آلوده می‌شود؟

- هستی ناب، هستی من و تو است، همان هستی است که دانشمند در کنشهای

دانش پژوهی، دانش ورزی، دانش پردازی به نمایش می‌گذارد: مشاهده، پرسش و پاسخایی می‌نماید. پاسخها را گسترش و ژرفا می‌بخشد. در چیزها و هستی‌های دیگر بکار می‌برد، و با فرانگری به آفریده‌های دانشی خود جهت و معنی جاویدان می‌بخشد.

- با آنچه گفتی از این پس بجای کمیت و کیفیت علم، از دانش ناب و آلوده، اندیشه

ناب و آلوده... سخن خواهم گفت.

- آفرین بر تو، دانش و اندیشه ناب کیفیت و کمیت ندارد: دانش، دانش است و

اندیشه، اندیشه است. دانش و اندیشه با تلاشهای اندیشمند و دانشمند گستردگی و ژرفا می‌یابند، ایستا و پویا می‌شوند، با معنی و بی‌معنی، با جهت و بی‌جهت می‌گردند.

- ای اندیشه نجات‌بخش، حال برای رهائی و آزادی از اسارت چه کنم؟!؟

- این آسانترین کاری است که می‌توان کرد: هنگامی که بتوانیم کنشهای هستی‌ناب خود

را مشاهده کنیم به پرسش بگذاریم، پاسخی روشن و متمایز خواهیم یافت از پیله اسارت در می‌آئیم، پروانه می‌شویم، بال می‌کشائیم. بدیدار گلها، چمنها، می‌رویم، در روشنائی ملایم آفتاب و حرکت آرام نسیم بال و پر می‌زنیم... آزاد می‌شویم.

- ترا به همه این زیباییها سوگند، از پویائی و ایستائی، از گستردگی و ژرفا، از جهت و

معنی هستی ناب من و خودت آگاهم کن.

- در جهانی که من و تو هستیم همه چیز از کوچکترین ذرات تا بزرگترین کهکشانشا

این حالت‌ها را در خود و با خود دارند: با هر تلاش هنگامه‌ای برپا می‌کنند. هرچه مشاهده‌ها و پرسشها افزایش یابد هستی ناب من و تو گستردگی پیدا می‌کند و هرچه پاسخها فزونی یابد ژرفتر می‌گردد.

- ای اندیشه آزادی‌بخش، پدران و مادران ما زمزمه می‌کردند: «اگر بینی که نابینا به چاه

است - اگر خاموش بنشیننی گناه است» برای رهائی بیشتر از اسارت و تاریکخانه آن از دانش و

دانشمندی آگاهم کردی، حال از فن آوری و ارزیابی خبر دارم ساز.

- فن آوری فرزند دانش ورزی است: از بکار بستن برداشتها، یافته‌ها و پاسخهایی که در دانش پژوهی بدست آوردیم، فن آوری زائیده می‌شود: قلمی که در دست داری، کاغذی که روی آن می‌نویسی، خود این نوشتن، استکانی که چای می‌خوری، کتابی که می‌خوانی، لباسی که پوشیده‌ای... همه و همه نوزادی از دانش ورزی و نعایشی از فن آوری است.

- ترا ای اندیشه بزرگ ستایش می‌کنم، در چگونگی ارزیابی دانش سخن بگو.

- بارها گفته‌ام، تو هم باور داری که اگر بخواهیم درس خواندن کودکان را ارزیابی کنیم راه درست آن است که آنها را با خودشان بسنجیم: رفتارها و حالت‌های گذشته هر یک را با وضع فعلی‌اش مقایسه کنیم، شاخص ارزیابی در خود آنها و با خودشان است. هر یک جدا از دیگران ارزیابی می‌شود.

- وای بر ما، در ارزیابیهای روزانه، کودکانمان را با هم مقایسه می‌کنیم و هزاران مثال خوب و بد را به رخشان می‌کشیم.

- در مقایسه کردن، کودکانمان با یکدیگر نه تنها ارزشی را پیدا نمی‌کنیم بلکه آنها را در وضعیت کاستی، حقارت و بی‌ارزشی قرار می‌دهیم.

- می‌خواهی بگوئی برای ارزیابی دانشها و فن آوریها تلاشهای هر دانشمند را در خودش و با خودش به اندیشه آوریم و وضعیت آنها در آنچه که اکنون هست، و آنچه که بوده، با آنچه که باید باشد بازمینی مقایسه و ارزشگزاری کنیم؟!

- آفرین، حال، تو، به آسانی می‌توانی، کنشهای دانش پژوهی، دانش ورزی و دانش پردازی را در دانش آموزان، دانشجویان و دانشمندان مشاهده کنی، به پرسش بگذاری و دریابی که هستی آنها چگونه است؟ ناب یا آلوده، پویا یا ایستا، گسترده یا محدود، ژرف یا سطحی، جهت‌دار یا بی‌جهت است.

- ای اندیشه مهربان، لطف کن، پاسخ این پرسشها را روشن ساز تا هر چه زودتر آنها را به اسیران پر ترس و علم فن آوری برسانیم، شاید بتوانند بر ناامیدیهایشان پیروز شوند، لجاجت را کنار بگذارند، از سیاه‌چالی که ساخته‌اند بدر آیند: گفتی تلاشهای دانشی با مشاهده آغاز می‌شود، دوست دارم بدانم، این آغازگر اندیشه و دانش چگونه است؟

- از اینکه پرسشهای شایسته‌ای می‌کنی ترا می‌ستایم. تو و من، هر دو، از لحظه‌ای که اینجا هستیم در حال مشاهده یکدیگریم: تماس‌های مستقیم و بی‌واسطه‌ای که با خودمان، با چیزها و با هم از راه یک یا چند حس داشته‌ایم مشاهده است: دیدن، شنیدن، بوئیدن،

بساویدن، چشیدن، ... مشاهده است. هم‌اکنون تو، سخن گفتن مرا از راه گوش مشاهده می‌کنی، آنچه بیشتر باید بدانی که هر مشاهده با پرسشی و پاسخی همزمان است، اینها سه یار دیرین و بنیادین هستی ناب ما هستند.

- ای اندیشه مهربان با این آگاهیها، زنجیر اسارت را از دست و پایم برداشتی حال اگر بخواهیم «شاخص‌های کلان ارزیابی دانش را» جستجو کنم کجا بروم.

- به آغوش مادرها، درون گهواره‌ها، کودکستانها، دبستانها، دبیرستانها، دانشگاهها و آموزشگاهها: در هنگامهای پرتلاش مادران، پدزان، کودکیاران، آموزگاران، دانش‌آموزان، دبیران، دانشجویان، دانشگاهیان، دانشمندان، اندیشمندان همه آنهایی که شایسته دانش و اندیشه هستند، شاخص‌های کلان ارزیابی دانش را خواهی یافت.

- من که با همه اینها آشنا بوده‌ام.

- آری، اما بسیاری از آشنایان هستند که شناخت روشنی از آنها نداریم.

- اگر همه این آشنایان با هستی ناب خویش تلاش کنند شاخص‌های کلان ارزیابی دانش و فن‌آوری را به نمایش می‌گذارند: مادران در شیردادن، حمام بردن، غذا دادن، کودکیاران در بازی کردن و ترانه خواندن، آموزگاران و دبیران در شیوه‌ها و روشهای همکاری و هم‌آموزی استادان و دانشجویان در پژوهیدن و هم‌اندیشی کردن.

- ای اندیشه آزادی‌بخش برای آنهایی که خود را اسیر طرح بررسی وضعیت علم در ایران برای جهت‌گیری در آینده ساخته‌اند و برای آنهایی که در تاریکخانه اسارت، در جستجوی شاخص‌های کلان ارزیابی علم و فن‌آوری گزارشنامه تهیه کرده‌اند چه چاره‌اندیشی کنیم.

- هنگامه های آزادی بخشی که از میان من و تو گذشت آگاهشان کن، باشد که در پرتو این آگاهیها آزادانه و خودخواست تلاش کنند و از بند هنگامه های اسارت در علم و فن آوری رهائی یابند.